

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۹۱

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۳ آذر ۱۳۸۶ ، ۵ دسامبر ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدالکلیان abdolgolparian@yahoo.com

پیام حمید تقوائی به مردم آزادیخواه جهان: در مقابل خطر حمله نظامی به ایران از مبارزات مردم ایران حمایت کنید!



حمید تقوائی

خطر حمله نظامی آمریکا و فلاکت و مشقت ناشی از تحریمهای

جهان وارونه را تغییر داد". ایران جامعه ایست که محکومین به اعدام از درون زندانها مردم جهان را به مبارزه برای لغو مجازات اعدام در همه کشورها فرا میخواند. مردم ایران در اعتراضات و تظاهراتشان بارها اعلام کرده اند نه جنگ را میخواهند، نه پروژه هسته ای را

جامعه ایست که شعار "آزادی، برابری، هویت انسانی" بر پرچم مبارزاتش نقش بسته است، جامعه ایست که روز جهانی کودک را در اجتماعات چندین هزار نفره در ده ها شهر جشن میگیرد و در بیانیه دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان اعلام میکند "برای آزادی کودکان باید این

اسلامی و وضعیت غیر قابل تحمیلی که این حکومت مافوق ارتجاعی به جامعه تحمیل کرده است مبارزه میکنند. ایران جامعه ایست که در تجمعات اعتراضی اش سرود انترناسیونال میخواند و شعار "یک کره زمین یک انسان" و "یک نژاد آنهم نژاد انسانی" را فریاد میزند. ایران

اقتصادی مردم ایران را تهدید میکند. جنگ آمریکا با جمهوری اسلامی، جنگ مردم نیست، خواستها و منافع مردم در این جنگ نمایندگی نمیشود. مردم ایران نه جمهوری اسلامی را میخواهند و نه حمله نظامی و تحریم اقتصادی را. مردم ایران مدتهاست علیه جمهوری

صفحه ۲



عبدالکلیان

موفقتی دیگر برای کارگران شاهو و نیرو رخش

کارگران کارخانه شاهو بار دیگر توانستند در يك مبارزه متحد و پیگیر، کارفرما، اداره کار و استانداری را به عقب برانند و از اخراج خود و تعطیلی کارخانه جلوگیری کنند. کارگران شاهو توانستند کارفرما را وادار کنند که سرویس ایاب و ذهاب کارگران را راه اندازی کند، از بالا بردن ساعت کار توسط کارفرما جلوگیری کنند و انجام کار خارج از موازین برسمیت شناخته شده بعنوان اضافه کاری محسوب شود، کارفرما را متعهد ساختند که آخر هر ماه دستمزد

کارگران را پرداخت نماید. مسئله بازنشستگی ۳۰ نفر از همکارانشان را بر روی میز کارفرما بگذارند، از سرگیری يك وعده غذای گرم را که قطع کرده بودند دوباره بجزیران بندازند و بالاخره اینکه کارفرما را موظف به حل مشکل بهداشت

صفحه ۳



ناصر اصغری

"کمپین علیه جنگ" کمپینی برای جنگ سخنی با مهر داد فریخته

صفحه ۴

پیام حمید تقوائی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو "آزادی، برابری، هویت انسانی" طنین پر صلابت فریاد اعتراض جامعه است!

صفحه ۲

آکسیون اعتراضی ۱۳ آذر علی رغم همه فشارها و بازداشتها قدرتمندانه و سرخ برگزار شد



دانشجویان خواهان آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان شدند

صفحه ۲

صفحه ۳

یکی دیگر از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد!

اعتصاب متحدانه کارگران نیرو رخش با موفقیت به پایان رسید کارگران شاهو کارفرما را به عقب راندند

صفحه ۵

... و زمانی شده است که بجز انسان هیچ چیز ارزان نیست. سارا

صفحه ۶

دلارا دارابی در خطر اعدام

برای نجات جان دلارا متحدانه اقدام کنیم!

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام حمید تقوائی به مردم آزادیخواه جهان...

و نه جمهوری اسلامی را.

مردم آزادیخواه جهان!

برای پایان دادن به تهدید حمله نظامی آمریکا از مبارزات مردم ایران حمایت کنید. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت و اراده مردم ایران تنها راه حل انسانی و متدنهانه ختم تهدیدات جنگی، و پایان بخشیدن به مسابقه جنایت و توحشی است که تروریسم اسلامی و میلیتاریسم و تروریسم دولتی آمریکا در ایران و خاورمیانه و در سراسر دنیا به راه انداخته اند. جمهوری اسلامی مردم ایران را نمایندگی نمیکند. این حکومت قاتل مردم است و نه نماینده آنان! این حکومتی است که با اعدام ده ها هزار نفر و اعمال شنیع ترین شکنجه ها و مجازاتهای قرون وسطائی نظیر سنگسار و شلاق و قطع اندامهای بدن انسانها خود را سر پا نگاهداشته است. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی طرد و منزوی شود. باید جهان با این حکومت آپارتاید جنسی همان طور رفتار کند که با حکومت آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی کرد. از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهید که

جمهوری اسلامی را بعنوان دولت ایران برسمیت نشناسند و کلیه روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت قرون وسطائی قطع کنند.

مردم آزاده دنیا!

مردم ایران در مبارزه علیه سیاستهای جنگ طلبانه، ضد انسانی و وحشیانه دولت آمریکا در کنار و همراه شما هستند، و از شما میخواهند که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی حامی و همراه آنان باشید! برای به عقب راندن و به شکست کشاندن سیاستهای میلیتاریستی و قلدر مناشانه دولت آمریکا وهم پیمانانش، برای به شکست کشاندن جنبش ارتجاعی و تروریستی اسلام سیاسی و برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی از مبارزات مردم ایران حمایت کنید.

حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ نوامبر ۲۰۰۷

پیام حمید تقوائی به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو "آزادی، برابری، هویت انسانی" طنین پر صلابت فریاد اعتراض جامعه است!

دانشجویان آزاده!

جنبش دانشجویی در صف مقدم و طلایه دار انقلابی است که در دل حوادث جاری در حال شکل گیری است. حکومت اسلامی وحشیانه تراز همیشه میگیرد و میزند و میندند اما قادر به خاموش کردن اعتراضات مردم نیست.

امروز در مقابل مردم خطر جنگ را علم کرده اند. تهدید حمله نظامی را بر بالای سر جامعه قرار داده اند تا مبارزات مردم را به بهانه جنگ به عقب برانند؛ تا با ترساندن مردم از سناریوی سیاه و تجزیه و عراقیزه شدن اوضاع آنان را به سازش و تمکین به وضع موجود بکشانند. از دوخرد ادیهای ورشکسته تا نیروهای چپ و راست سردرگم و مستاصل و بی افق تلاش میکنند که صورت مساله را از مبارزه علیه جمهوری اسلامی به مقابله با جنگ عوض کنند. جامعه را به مرگ جنگ گرفته اند که به تب وضع موجود رضایت بدهد. اما نتوانسته اند و نمیتوانند فریاد اعتراض مردم را خاموش

کنند. شعار "آزادی، برابری، هویت انسانی" که روز ۲۱ آبان در حرکت اعتراضی دانشجویان اصفهان در اعتراض به دستگیری دوستان دربندشان و برای آزادی زندانیان سیاسی سر داده شد، طنین پر صلابت این فریاد اعتراض جامعه است.

دانشجویان آزادیخواه!

شما در ۱۶ آذر سال گذشته پرچم سوسیالیسم را در برابر بربریت سرمایه برافراشتید. و جامعه هر روز و مدام در اعتراضات و مبارزات خود بر این حقیقت شهادت میدهد که در برابر بربریت سرمایه بجز سوسیالیسم راه دیگری وجود ندارد. امروز از یکسو اردوی بربریت، از جمهوری اسلامی و دولت آمریکا تا اپوزیسیون پرو رژیم و پرو آمریکائی، تهدید حمله نظامی و بهره برداری از فضای جنگی در جهت به تمکین کشاندن مردم را نیز به سیاست سرکوب و ارباب همیشگی اش افزوده است. و از سوی دیگر در اردوی سوسیالیسم و انسانیت، مبارزه کارگران برای

معیشت و منزلت، جنبش زنان علیه آپارتاید جنسی، مبارزه علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه علیه بیحقوقی کودکان و مبارزه مردم به ستوه آمده در ده ها عرصه و نبرد دیگر دمی فرو ننشسته و پر تپش و بالنده به پیش رفته است. این نبرد همه جانبه باید بیش از پیش گسترش پیدا کند و با قدرت به پیش برده شود. جنبش دانشجویی در صف مقدم این حرکت و جنبش اعتراضی سوسیالیستی است. بگذار امسال نیز ۱۶ آذر بعنوان سنگر و پرچم پر صلابت سوسیالیسم در برابر بربریت قد علم کند و دانشگاهها بار دیگر و قدرتمند تر از همیشه انعکاس و تریبون فریاد کل جامعه برای تحقق آزادی و برابری و هویت انسانی باشد.

به امید یک ۱۶ آذر سراسری، قدرتمند و سوسیالیستی!

حمید تقوائی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ نوامبر ۲۰۰۷

آکسیون اعتراضی ۱۳ آذر علی رغم همه فشارها و بازداشتها قدرتمندانه و سرخ بر گزار شد

دانشجویان خواهان آزادی بی قید و شرط همه دستگیر شدگان شدند



برابر تمام درهای ورودی نیروی حراست مستقر بود و همه را کنترل میکردند و مانع ورود دانشجویان دیگر دانشگاهها به این دانشگاه میشدند. در مواردی بین حراست و تعدادی از دانشجویان درگیری شد.

طبق خبر ارسالی روز ۱۳ آذر، دانشجویان بنا به قرار قبلی برای گرامیداشت شانزده آذر در دانشگاه تهران و اطراف آن حضور یافتند. از همان آغاز صبح نیروی انتظامی در محل حاضر بود. در

شعار و خواندن سرودهای مختلف پایان رسید.

در این روز دانشگاه شاهد یک تجمع اعتراضی رادیکال سرخ و وسیعی بود. دانشجویان به بازداشتها، احضارها و فضای سرکوب در دانشگاه و جامعه اعتراض کردند و خواهان آزادی دانشجویان شدند. دانشجویان باید برای آزادی دستگیرشدگان هر روز را ۱۶ آذر بدانند و به اعتراضات خود ادامه دهند. این تنها راه مقابله با جمهوری اسلامی است.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

سازمان جوانان کمونیست
سه شنبه ۱۳ آذر ۸۶
۴ دسامبر ۲۰۰۷

خوانده شده و متن آن در میان دانشجویان پخش شده است. فضای پرشوری است. سه شعار مهم بیانیه نه به جنگ، دانشگاه پادگان نیست و زندانی سیاسی آزاد باید گردد، است. بعد از خواندن بیانیه، تریبون آزادی تشکیل شده که دانشجویان مختلف در آن سخنرانی میکنند. در این سخنرانیها دانشجویان به مساله دستگیریها معترض بوده و خواهان آزادی بی قید و شرط همه دانشجویان بازداشتی هستند. شعارهای رادیکالی توسط دانشجویان چپ در محکومیت بازداشتهای اخیر و جو خفقان حاکم داده شده است. در ادامه این تجمع اعتراضی تعدادی از دانشجویان چپ دستگیر شدند. تریبون آزاد به پایان رسیده و دانشجویان به سمت سردر اصلی راهپیمایی میکنند و سرود میخوانند!! این تجمع با سر دادن

اما جمعیت زیادی در حال رفت و آمد بود. تراکت های مربوط به تجمع در میان دانشجویان پخش شده و بر در و دیوار نصب شده بود. در این تراکت ها به شرکت در تجمع امروز و حمایت از دانشجویان دستگیر شده فراخوان داده شده بود. جنب و جوش زیادی در اطراف دانشگاه به چشم میخورد و نیروی انتظامی مرتب جمعیت را متفرق میکند. جمعی از کارگران و معلمان نیز خود را به دم دانشگاه رسانده اند و خواهان شرکت در تجمع هستند. افرادی نیز از شهرهای دیگر به این محل آمده اند. تا زمان ارسال گزارش جمعیت به بیش از ۷۰۰ نفر رسیده است. بیانیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به مناسبت شانزده آذر

موقیبتی دیگر برای کارگران شاهو و . . .

از صفحه ۱

محیط کار کنند.

همزمان چند صد متر آنطرف تر کارگران نیروورخش با به سرانجام رساندن مبارزه ای متحد و شورانگیز، خواست و مطالبات خود را با اعتصابی موفق به کرسی نشانند و موفق شدند پرداخت دستمزدهای بتعویق افتاده را تحمیل کنند، تامین امکانات گرمایشی و بهداشت سلف سرویس و مهمتر از همه، از اخراج ۶ تن از همکاران خود جلوگیری کنند.

اینها و بسیاری از خواست ها و مطالبات کارگران شاهو و دیگر کارگران کارخانه ها که طی سالهای اخیر به کرسی نشاندن شده است، مدیون مبارزه ای متحد و آگاهانه است که بعنوان تجربه ای ارزشمند و گرانبها و بعنوان دستاوردهای جنبش کارگری، باید ضمن حفاظت از آنها هرچه بیشتر آنها گسترش و ارتقا داد.

امروز دیگر کارگران شاهو بعنوان سبیل استقامت، اتحاد و ثابت قدمی در میان دیگر بخشهای کارگری نه تنها در شهرهای کردستان بلکه در سطح سراسری کاملا شناخته شده هستند. اعتراض و مبارزه پیشرو کارگران شاهو به الگویی در میان کارگران رشته های مختلف تولیدی تبدیل شده است و این یعنی انبوخته بسیار بالایی در بدست آوردن تجارب دورانی از مبارزه متحدانه برای جنبش کارگری.

لازم است برای حفظ این دستاوردها و مجهز نمودن کارگران به قدرت و توان بیشتری در مقابل مشکلات و مزاحمتهایی که کارفرما و حامیان دولتی آنان بعد از

هر موفقیت در مبارزه کارگران ایجاد می کنند اشاره ای کوتاه داشته باشیم. کارگران خوب می دانند که بعد از کسب هر موفقیتی در مبارزه و اعتراض متحدانه و دسته جمعی شان، بلافاصله و بعد از گذشت چند روز، ترفندها و انواع حرکتها و دسیسه های ضد کارگری از جانب کارفرما و در همدستی با اداره کار، اطلاعات و نهادهای سرکوبگر دیگر به بهانه های مختلف به میدان می آید. از شانه خالی کردن در مقابل تعهدات و توافقات انجام شده مابین نمایندگان کارگران و کارفرما گرفته تا بازداشت و زندانی کردن و تهدید فعالین کارگری، روشی است که از جانب کارفرمایان و نهادهای دولتی حامی آنان شرایط و موقعیت مبارزه کارگران را دچار اختلال و نا امنی می سازد.

فعالین و رهبران کارگری باید آمادگی از پیشی را در مقابل هر گونه توطئه ای علیه کارگران داشته باشند. بدین منظور لازم است که در جلسات مجمع عمومی کارگران، این مسئله به بحث و بررسی گذاشته شود، راههای مقابله با این ترفندهای ضد کارگری را دست نشان ساخت و نهایتا در مورد چه باید کرد تصمیم گرفت.

مجمع عمومی کارگران بهترین و مهمترین ظرف مبارزه کارگران است که با اتکا به آن میتوان به مقابله با دسیسه های دولت و کارفرما پرداخت.

در جریان يك مبارزه معین که با تلاش و فعالیت زیادی از جانب کارگران و بویژه فعالین کارگری برای دست یابی به مطالبات معینی

صورت می گیرد و منجر به موفقیت کارگران می گردد. طرف مقابل که شامل کارفرما، اداره کار، استانداری، اطلاعات و دیگر خدم و حشم دولت می شود، شکست فاحشی را متحمل شده اند. این جبهه شکست خورده در يك مبارزه و اعتراض معین کارگری، نمی خواهد پراحتی شکست خود را بپذیرد و از آنجا که قدرت تام الاختیار قانونی و سرکوب را نیز در دست دارد، چنین شکست و عقب نشینی تحمیل شده از جانب کارگران به این جبهه برای آنان به این مفهوم است که این موفقیتها ممکن است وسیع تر، قوی تر و گسترده تر به سراغشان بیاید. در نتیجه در تلاش برای باز پس گیری آنچه که این اعتراض، اعتصاب و مبارزه کارگران توانسته است به کرسی بنشانند بر خواهند خواست.

این ترفندها بر علیه کارگران، عبارت است از اذیت و آزار، بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری بویژه بعد از هر موفقیتی که نسیب کارگران می شود، این سیاست ضد کارگری به میدان آورده می شود. در جریان اعتصاب کارگران شرکت واحد، اعتصاب و مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه و اعتصاب کارگران رشته های دیگر در شهرهای کردستان، چنین سیاست سرکوبگرانه ای از جانب نهادهای دولتی اتخاذ شده است.

دولت و کارفرما می کوشند با زندانی و بازداشت رهبران و فعالین کارگری، تداوم مبارزات کارگران را مسدود و بعدا بتوانند به راحتی آنها سرکوب و دچار تفرقه نمایند.

مسئله ای که در اینجا حائز اهمیت است این است که در چنین مواقعی بلافاصله دفاع و پشتیبانی از فعالین کارگری، مقابله با

بازداشتهای مشابه در پس هر موفقیت که تا کنون موارد زیادی شاهد آن بوده ایم، باید بعنوان سیاست کارگران و جلب حمایت از کارگران رشته های دیگر حول شعار دفاع از فعالین کارگری و مقابله با دسیسه های دولت و کارفرما مورد توجه جدی قرار گیرد.

همانگونه که برای دستمزدهای پرداخت نشده اعتصاب می کنیم، همانگونه که برای جلوگیری از اخراج و تعطیلی کارخانه، متحدانه دست به اعتصاب و اعتراض می زنیم، باید برای دفاع از رهبران و فعالین کارگری هم به این ابزارها توسل جست. اگر کارگری بازداشت میشود برای آزادی و بازگشت به کار نیز همین مبارزه در اشکال اعتصاب و اعتراض در صنف یکدست و متحد باید انجام بگیرد. جنبه دیگری از همین مبارزه و در راستای حفاظت از رهبران و فعالین کارگری می تواند این باشد که در جریان مذاکرات با کارفرما و دیگر نهادهای دولتی بر سر خواست و مطالبات، امنیت و حفاظت کارگران و بویژه رهبران و فعالین کارگری بعنوان يك بند و يك خواست مشخص در مذاکرات مطرح شود.

همانطوری که می گوئیم اگر دستمزدهای پرداخت نشده در موقع مقرر پرداخت نشود دست به راهپیمایی، اعتصاب و... خواهیم زد، باید این را هم به مسئله و خواست عمومی خود تبدیل کنیم که اگر فعال کارگری یا هر کدام از کارگران بازداشت و زندانی شوند بگوئیم دست به اعتصاب و راهپیمایی خواهیم زد. تصمیم اخیر کارگران نیرو ورخش و شاهو در دادن التیماتوم به کار فرما مبنی بر اینکه اگر تا روز مقرر به خواست های ما جواب داده نشود، در سطح شهر

دست به راهپیمایی و اعتراض خواهیم زد، بدرجات زیادی در پیشبرد حرکت اعتصابی اخیر موثر و کار ساز بود. درست در مقطعی که فعال کارگری را بازداشت و زندانی می کنند باید با صدایی متحد و يك دست چنین اقدامی را در دستور گذاشت.

کارگران و بویژه فعالین و نمایندگان کارگران امروز بهتر از هر زمانی این را بخوبی دریافته اند که اتحاد و همبستگی آنان طی هر مبارزه، اعتراض یا هر اعتصابی، قادر شده است کارفرمایی را که از پشتیبانی تمام و کمال نهادهای دولتی، استانداری، اطلاعات، و مزدوران دولتی برخوردار است، وادار به پذیرش خواست و مطالبات کارگران کند. این اتحاد و همبستگی بدون همفکری، تبادل نظر و تصمیم گیری در مجامع عمومی کارگری بر سر چگونگی پیشبرد این مبارزات علیه چپاول و استثمار کارفرمایان و دولت از کارگران، به آسانی قابل حصول نیست.

این همان نقطه کلیدی است که کارگران شاهو تاکنون و اخیرا کارگران نیروورخش با اتکا به آن توانستند به خواستهای خود دست یابند و دستاورد مهم و بزرگی در به نمایش گذاشتن قاطعیت و حرکت متحدانه را به بخشهای دیگر جنبش کارگری بیافزایند. به هر مناسبتی باید تلاش کرد که ابزار و مکانیزمهای مبارزه کارگری و راههای مقابله با دسیسه های کارفرما و دولت را تاکید و باز هم تاکید کرد تا هرچه بیشتر به سنتی قوی و جا افتاده در جنبش سراسری کارگری تبدیل شود.

۲ دسامبر ۲۰۰۷

یکی دیگر از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شد!

فوری و بدون قید و شرط همکاران علی نجاتی بشوند.

حزب کمونیست کارگری دستگیری و پرونده سازی علیه نمایندگان کارگران حق طلب نیشکر هفت تپه را محکوم میکنند و از کارگران میخواهد که نگذارند این مساله بیشتر از این ادامه پیدا کند. کارگران باید زمان تعیین کنند و اگر رژیم فورا نمایندگان شان را آزاد

ببرند. احضار و دستگیری علی نجاتی به دنبال احضار فریدون نیکوفر، رحیم بساک، جلیل احمدی، محمد حیدری مصر و قربان علیپور انجام میگردد که همگی این ۵ تن با مبارزه و اعتراض کارگران و با قرار وثیقه اکنون در بیرون از بازداشتگاههای جمهوری اسلامی هستند. کارگران این بار نیز باید با فشار اعتراضشان خواستار آزادی

بنا به گزارشی که روز یکشنبه ۱۱ آذر ماه به حزب کمونیست کارگری رسیده، علی نجاتی، یکی از نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه که توسط اطلاعات رژیم احضار شده بود، پس از مراجعه دستگیر و به اطلاعات شوش تحویل داده شد که هم اکنون در بازداشت به سر میبرد. بنا به این گزارش قرار است دوشنبه ۱۲ آذرماه علی نجاتی را به دادگاه

بخصوص بخاطر اقدامات سرکوبگرانه اخیرش محکوم کنند. تنها راه مقابله با سرکوبگری های رژیم، مقابله قاطع با این رفتار شروانه و دست زدن به اعتصاب و اعتراض جمعی و وسیع است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ آذرماه ۱۳۸۶
۲ دسامبر ۲۰۰۷

"کمپین علیه جنگ" کمپینی برای جنگ سخنی با مهر داد فرهیخته

ناصر اصغری

در سایت "کارگران ایران" مطلبی از مهرداد فرهیخته درج گردیده که لازم دیدم به یک نکته از آن اشاره کنم. مهرداد فرهیخته در جایی از مطلبش می گوید: "این فراخوان (منظور فراخوان (بیانیه) حزب حکمتیست کورش مدرسی "علیه جنگ" است).

می تواند نقطه عطفی در روابط بسیار تیره و غیراصولی دو حزب کمونیست کارگری و حکمتیست باشد تا به خصوص با یک دیگر پایان دهند." اینجا می خواهیم به همین نکته اشاره کنم که آنچه را که دوستان رابطه غیراصولی می خوانند چیست.

جریان کورش مدرسی در این دوره دو موضوع را بار دیگر عمده کرده است. ۱- جامعه ایران به سوی "سناریوی سیاه" می رود؛ و ۲- دولت ائتلافی (با احزاب). اگر اجازه بدهید ما هم به این دو نکته می پردازیم و اتفاقا اگر اختلافات ما با حزب حکمتیست کورش مدرسی را از این سر ببینید، متوجه می شوید که این اختلافات خیلی هم اصولی هستند.

کورش مدرسی با سیاست های کنونی اش از همان روزی که نطفه هایش را در حزب کمونیست کارگری می بست، پایش را توی یک کفش کرد که الا بلا جامعه ایران به سوی "سناریو سیاه" می رود. (برای اثبات این ادعایم شما را به مواضع این جریان در قبال اعتراضات خوزستان، کردستان، آذربایجان و حتی به مضحکه هخا رجوع می دهم) و این را هم ظاهرا از بحثی از منصور حکمت اقتباس کرده است. رجوع به این بحث از منصور حکمت یک کلاهبرداری ناشایسته ای است که توسط دوستان دیگری از حزب کمونیست کارگری افشاء شده است.

اما من هم می خواهم یک نکته را به این بحث اضافه کنم. همان بیانیه کذائی می گوید: "همراه این کشمکشها، دارو دسته های اسلامی و قومی که مورد حمایت این یا آن طرف نزاع هستند ایران را در خطر پاشیدن شیرازه زندگی مدنی و تبدیل

منجر می شود؛ و حزب کمونیست کارگری اصولا بر علیه یک چنین چیزی معنا می دهد! اینکه یک جریانی با نام کمونیست و حکمت و از در عقب بخواند جمهوری اسلامی را به بهانه و تصویر کردن سناریوی فقط و فقط سیاه سیاه، تقویت بکند.

دوم اینکه کورش مدرسی مدتی نه چندان دور می گفت که در تظاهرات های ضدجنگ در خارج کشور شعار مرگ بر حکومت اسلامی را ندهید. اکنون در برابر فشار کمونیسم کارگری، در درون و بیرون از حزب خودش، ظاهرا عقب نشسته است. این یک قدم مثبت است. اما بحث استراتژی ایشان بدون کم و کاست سر جای خودش است منتها در همان بیانیه کذائی، دزدکی و پاورچین پاورچین دارد همان حکومت ائتلافی با مجلس مؤسسان و از طریق امضاء "احزاب، نیروها و شخصیت های اپوزیسیون" به مردم و حتی به اعضا، حزب خودش می اندازد.

مهرداد عزیز! اگر بدانم که شما هم مثل کورش مدرسی دلنشان برای گذشته خلقی و پوپولیستی تان تنگ شده است، چنین بحثی را اصلا شروع نمی کردم. اما مطمئن نیستم که چنین باشد. کورش مدرسی آدم های زیادی را با فریب و حیل سر کار گذاشته است. او متأسفانه در ارائه بحث و طرح نظراتش اصلا صادق نیست. می داند که طرح صریح بعضی سیاست ها آبرویش را می برد. می داند که اینها سیاست هایی رد شده و شکست خورده هستند. با این حال آنها را مطرح می کند؛ اما از در عقب و با ادبیات سرپوشیده. در نوشته "وظایف ما در خارج کشور" می گوید: "برای مقابله با خطر حمله آمریکا به ایران باید توده هر چه وسیعتری از انسان های شرافتمند و آزادیخواه را در خارج کشور حول خواست ساده نه به جنگ افروزی آمریکا گرد آورد. اضافه کردن هر تبصره ای به این خواست ساده و روشن صف اعتراض را محدود و متفرق می کند." منظور ایشان از "اضافه کردن هر تبصره ای" این است که تبصره "مرگ بر جمهوری اسلامی" را به این شعار اضافه نکنید. کورش مدرسی می داند که این بحثی است که وی را در صندلی

بغل طوفان و فرخ نگهدار قرار می دهد. اما ناصادقانه آن را سرپوشیده و زیر لوای دیگری مطرح می کند.

همین شیوه را در همان بیانیه "علیه جنگ" هم در بخصوص بندهای ۵ و ۶ بکار برده است. نمی گوید که با مجاهدین و طوفان می خواهیم دولت موقت تشکیل بدهیم. بیادبهاش را می فرستد که در تشریح بیانیه و فراخوان به پیوستن به آن، این یکی را بگویند. این را چند سال پیش در حزب کمونیست کارگری گفت، اما هو شد و فرار را بر قرار ترجیح داد.

مهرداد فرهیخته عزیز! کورش مدرسی می داند چه سیاستی غلط است، اما با این همه برای آنها برنامه می ریزد. در فراخوان به احزاب و شخصیت ها و نیروهای اپوزیسیون (نه در بیانیه) می گوید: "کنگره های اول و دوم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ضمن هشدار مکرر در این مورد احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون را به توجه به این واقعیت جلب کرده است و رهبری حزب ما در یکسال گذشته تلاش کرده است تا با

نیروهای مختلف اپوزیسیون به پلاتفرمی برای ممانعت از جنگ و حفظ مدنیت در فضای سیاسی ایران برسد. متأسفانه این تلاش موفق نبوده است. امروز با تشدید خطر جنگ و چشم اندازی که در مقابل جامعه ایران قرار گرفته است ناچاریم بطور علنی و بار دیگر همه احزاب و شخصیت های مسئول را به تلاش برای سد بستن در مقابل چنین چشم اندازی فرا بخوانیم." کورش مدرسی در کنگره اول، که مصوبات کنگره دوم شان هم شدند، چنین چیزی نگفتند. آنجا چیز دیگری گفتند، اما در نقل قول بالا صراحتا می گوید که ما مجبوریم بگوئیم که بر علیه هر دو طرف جنگ بایستیم.

دارد می گوید که ما دروغ می گوئیم؛ "مجبور شده ایم" چنین چیزی

بگوئیم. دارد می گوید که مجبور شده ایم آنچه را که می دانیم سیاست درستی است اینجا بیان کنیم. مهرداد فرهیخته عزیز! کسی که در سیاست دروغ بگوید، باید از ترسید. بقول مهرنوش موسوی، به پلیس دروغ گفتن و یا به اداره مالیات دروغ گفتن را می شود فهمید، اما به مردم در سیاست دروغ گفتن، بالاتر از توطئه است!

در زمان انقلاب ۵۷ وقتی که ائتلاف برای تشکیل حکومت را با جریانات بورژوازی تقد کردیم، کرور کرور از افراد سازمان های خلقی یا به اتحاد مبارزان کمونیست روی آوردند و یا این سازمان ها زیرجلکی به نقد مواضع گذشته خودشان پرداختند. کورش مدرسی این یکی را دیده است و می داند که دارد با چه غولی کشتی می گیرد. مجبور است ناصادق باشد و متأسفانه با سرنوشت سیاسی آدم های زیادی بازی کرد. امیدوارم که بند ۱ "بیانیه علیه جنگ" (و فقط هم بند آن غلط انداز است) آدم های زیادی را نفریبد. کورش مدرسی عقب نشینی ظاهری کرده که برای نبردهای دیگری خودش را آماده کند.

به نظر من برخلاف وحشت پراکنی و خود را آشفته و پریشان نشان دادن، جریانی که دنبال دولت ائتلافی است، بیشترین سود را از جنگ می برد؛ که ببرد وسط و با دوستانی که یک جبهه تشکیل داده و قرار است "بیمه بیکاری" به بیکاران بدهند، اعلام یک حکومت ائتلافی بکنند. اما در همین یک نکته هم محاسبه شان غلط است. چرا که مبارزات رادیکال و سوسیالیستی مردم قرار نیست به هیچ حزب و شخصیتی اجازه بند و بست از بالای سر مردم را بدهد. محاسبه شان همانند محاسبه هر حزب و جریانات بورژوازی دیگری کاسبکارانه است.

۲۵ اسفند ۲۰۰۷



اعتصاب متحدانه کارگران نیرو و رخس با موفقیت به پایان رسید کارگران شاهو کارفرما را به عقب راندند

سنندج فرستاد.

۵- کارفرما از چند ماه پیش غذای گرم کارگران در کارخانه را قطع و به جای آن پول یک وعده غذا را پرداخت می‌کرد. در این مذاکرات توافق شد یک وعده غذای گرم در کارخانه به کارگران داده شود.

۶- کارفرما قول داد در اسرع وقت مشکل بهداشت کارخانه را حل کند.

از طرف دیگر و بدنبال ۶ روز اعتصاب و اعتراض متحدانه کارگران نیرو رخس کردستان، روز شنبه ۱۰ آذر ماه ۸۶ کارگران این کارخانه توانستند خواسته‌ها و مطالبات بر حق خود را به کارفرما تحویل کنند.

خواست کارگران نیرو رخس مبنی بر ۱- تعبیه دستگاه گرمایشی، ۲- رفع مشکلات بهداشتی محل کار ۳- پرداخت ۳ ماه دستمزد بتعویق افتاده کارگران و ۴- جلوگیری از اخراج ۶ نفر از کارگران رسمی کارخانه که از جانب همه کارگران مورد حمایت قرار گرفتند به کارفرما تحویل شد. کارگران اعتصابی نیرو رخس با تحویل مطالبات خود به کارفرما اعتصابشان را با موفقیت به پایان رساندند.

موفقیت کارگران این دو کارخانه یک بار دیگر قدرت همبستگی و اتحاد کارگران را به نمایش گذاشت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری موفقیت کارگران شاهو و نیرو رخس را به همه کارگران صمیمانه تبریک می‌گوید.

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۰ آذر ۸۶
۱ دسامبر ۲۰۰۷

طبق گزارشی که اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بی‌کار منتشر کرده است، کارگران شاهو بعد از یک دوره کشمکش و جدال با کارفرمای این کارخانه، کارفرما عقب نشست. روز چهارشنبه ۷ آذرماه ۸۶ کارگران شاهو در ادامه مبارزه‌ای متحدانه برای جلوگیری از اخراج دسته جمعی کارگران و بستن کارخانه از جانب کارفرما، توانستند کارفرما را به عقب نشینی وادار کنند و مطالبات خود را به کرسی بنشانند.

بدنبال مذاکرات نمایندگان کارگران با استانداری، استانداری ناچار به قبول خواست کارگران شد و رسیدگی فوری آنرا به مدیر کل اداره کار سنندج ابلاغ کرد. در جریان مذاکره نمایندگان کارگران با کارفرما و مدیر کارخانه، کارفرما خواسته‌های کارگران را به شرح زیر پذیرفت:

۱- دایر شدن سرویسهای ایاب و ذهاب کارگران که طبق معمول بر سر کارهای خود حاضر شوند.
۲- توافق بر سر ساعت کار کارگران بر اساس قانون کار و هفته ای ۴۴ ساعت و چنانچه کارگران بیش از این ساعت کار کنند اضافه کاری محسوب شود.

۳- کارفرما متعهد شد سر هر ماه و بموقع دستمزد کارگران را پرداخت نماید

۴- کارفرما متعهد شد مسئله بازنشستگی ۳۰ نفر از کارگران را فوراً حل کند. بر اساس این توافق و پس از پایان مذاکره بلافاصله کارفرما دو تن از نمایندگان کارگران را برای پیگیری و حل مسئله بازنشستگی ۳۰ نفر از کارگران این کارخانه به اداره تأمین اجتماعی

خود نشدند تا اینکه نماینده کارفرما با کارگران و نماینده‌های آنان وارد مذاکره شد و در پایان مذاکره مقرر گردید نماینده کارفرما با حسن زاده مالک کارخانه در تهران تماس گرفته و خواسته‌های کارگران را به ایشان منتقل نماید. پس از این تماس و مذاکراتی که انجام شد مقرر گردید تا دستمزدهای کارگران در دو نوبت طی روزهای یکشنبه و سه شنبه هفته آینده پرداخت شود اما کارفرما از قبول بازگشت بکار کارگران اخراجی خودداری کرد. با پیش آمدن این وضعیت، کارگران نیز متقابلاً اعلام کردند تا بازگشت بکار همکاران خود به اعتصابشان پایان نخواهند داد. بدنبال این تصمیم کارگران و تداوم کشمکش، در نهایت کارفرما از موضع خود عقب نشینی کرده و متعهد گردید تا ۶ نفر از کارگران اخراج شده را بر سر کارشان بازگرداند و ۳ ماه دستمزد معوقه کارگران را نیز بصورت یکجا در روز یکشنبه پرداخت نماید.

پس از حصول این توافق، کارگران به کارفرما اعلام کردند چنانچه حتی یک نفر از کارگران اخراجی پس از بازگشت بکار و یا بقیه کارگران پس از پایان اعتصاب به هر بهانه‌ای اخراج شوند و یا دستمزد آنان در موعد توافق شده پرداخت نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

به این ترتیب کارگران نیرو رخس پس از شش روز اعتصاب و مقاومت متحدانه در مقابل تحمیل شرایط برده وار از سوی کارفرما، موفق شدند به تمامی خواست‌های خود دست یافته و پیروزمندان به اعتصاب خود پایان دهند.

لازم به یادآوری است که کارگران کارخانه نیرو رخس از روز یکشنبه مورخه ۸۶/۹/۴ در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه از دستمزدهایشان و عدم وجود وسایلی

گرمایشی در کارخانه و نبود بهداشت محیط کار دست به اعتصاب زده بودند و تا روز پنجشنبه مورخه ۸۶/۹/۸ کارفرما در عین بی‌توجهی به خواسته‌های این کارگران، حکم اخراج شش نفر از کارگران رسمی را نیز صادر کرده و اعلام نموده بود که وضعیت همین است، هر کس می‌خواهد کار کند و هر کس نمی‌خواهد برود. اما مقاومت متحدانه کارگران نیرو رخس در رسیدن به خواسته‌هایشان، نهایتاً کارفرما را وادار به عقب نشینی کرده و امروز این کارگران با موفقیت به اعتصاب خود پایان دادند.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بی‌کار پیروزی اعتصاب کارگران نیرو رخس را صمیمانه به یکایک این دوستان تبریک می‌گوید، به مقاومت متحدانه آنان در مقابل تحمیل شرایط برده وار از سوی کارفرما درود می‌فرستد و از همه کارگران در سراسر ایران می‌خواهد تا همچون کارگران نیرو رخس به تحمیل شرایط برده وار از سوی کارفرمایان تن ندهند و اجازه ندهند کارفرمایان، همکاران معترض آنان را به راحتی اخراج نموده و با دیسسه‌هایی همچون کارگر موقت و رسمی، صفوف متحدانه آنان را در هم بشکنند. کاری که کارگران موقت متحدانه اجازه ندادند همکاران رسمی و همراشان در طول اعتصاب توسط کارفرما اخراج بشوند.

زنده باد همبستگی کارگری
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بی‌کار ۱۰/۹/۱۳۸۶

www.ettehade.com

k.ehrajati@gmail.com

اروپایی و پارلمان اروپا، نامه‌های اعتراضی خود به احکام اعدام را ارسال کنید.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۰۲/۱۲/۲۰۰۷

www.adpi.net

manochermasori@yahoo.com

Tel:00467049494

به سایت کمیته بین المللی علیه اعدام و سایت اعدام کودکان را متوقف کنید، مراجعه کنید و پیشنهادهای علیه اعدام را امضاء کنید. لینک این پیشنهادها را برای دوستان و آشنایان خود ارسال کنید. اخبار اعدام‌ها در ایران را برای همه ارسال کنید. برای مقامات سازمان ملل، عفو بین الملل، پارلمانهای

دیگری از این کمپین اعلام حمایت کرده‌اند. کمیته بین المللی علیه اعدام به عنوان یکی از بنیانگذاران اصلی این کمپین تمام تلاش خود را می‌کند که این خواست انسانی مردم ایران و جهان را به جمهوری اسلامی تحمیل کند. شما هم می‌توانید در کنار ما، این کمپین را با تلاشهای خود تقویت کنید.

دلارا دارایی در خطر اعدام

ازصفحه ۶

حمایت گسترده بین المللی برای توقف و لغو احکام اعدام نوجوانان و جوانانی که در حین جرم و یا اتهام به جرم، زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند، در جریان است. نمایندگانه پارلمان اروپا، آلمان، سوئد و کشورهای بسیار

ندارد. دلارا دارایی، یکی از ده‌ها نوجوانی است که حکم اعدام گرفته‌اند و در زندانهای جمهوری اسلامی به انتظار اجرای حکم نشسته‌اند. در حال حاضر یک کمپین بزرگ، با یک

... و زمانی شده است که بجز انسان هیچ چیز ارزان نیست.

سارا

همه شاهد داستان آن قدرت گیری بودیم که با پایان یافتن دوره خاتمی به اصطلاح آخوند امروزی و خنده رو و جناح اصلاح طلب او و شکست رفرمیستها در مقابل مردم و به انزوا کشیده شدن آنها، درانتخاباتی فرمایشی و نمایشی مثل سایر انتخابات جمهوری اسلامی، جلوی چشمان بهت زده مردم احمدی نژاد مدعی "عدالت" و به قول کسانی که با پرونده جنایاتش آشنا هستند تیر خلاص زن زندان اوین به ریاست جمهوری رسید. بقدرت رسیدن او مثل سایر نمایشات قنوت گیری سران اسلامی، توهین به شعور سیاسی مردم بود. در واقع مردم به نتیجه منجر کننده و فرمال بودن انتخابات واقف بودند به همین دلیل در آن هنگام ستادهای انتخاباتی خالی از جمعیت بود و فقط تعدادی از افراد مزدور خودشان دور و بر صندوقها می پلکیدند. مردم برای تماشای رسوایی آنها از مقابل ستادهای انتخاباتی خالی از جمعیت می گذشتند و با نگاههای سرشار از اعتراض و از جگر و تنفر، آنها را می پاییدند و در واقع با اعتراض و بایکوت کردن انتخابات مثل همیشه به حکومت اسلامی (نه!) گفتند. ولی بالاخره دکتر احمدی نژاد که دکترای شکنجه را در نتیجه سالها شکنجه زندانیان در زندان اوین گرفته بود و بنا به محاسبات رژیم مهارت خاصی در ایجاد رعب و وحشت

داشت، قرعه به نامش افتاد ولی معادلات رژیم درست از آب در نیامد و از همان ابتدای ظهور احمدی نژاد، با موجی از اعتراضات مردم بخصوص در شهرهای کردستان و تبریز و نقده و... روبرو شد و با توجه به خبره بودن در تخصصی که دکترایش را گرفته بود از کشتن و شکنجه کردن مردم دریغ نکرد. با ارائه یکی پس از دیگری طرحهای عجیب و غریبش که تماماً ضد انسانی بود سعی در تثبیت پایه های قدرتش را داشت که هر بار طرح هایش با اعتراض و مبارزه مردم به شکست انجامید. او

که بعنوان نماینده حکومت مغزش را انگار از عصر حجر با خود آورده است طرحهایی ارائه میدهد و کارهایی می کند که نه تنها مردم در ایران بلکه در تمام دنیا از تعجب انگشت به دهان مانده اند. برای نمونه همان نامه دعوت به اسلام برای سران کشورهای غربی! یا سخنرانی اش در سازمان ملل متحد که بقول خودش هاله ای نورانی اطرافش را احاطه کرده بود! یا انکار همجنسگرایان در ایران! که بدنبالش

خنده دانشجویان دانشگاه کلمبیا بود که از اوج ناگاهی وی متعجب بودند و نمونه های دیگری از رفتار حماقت آمیز و مضحکش... به راستی آدم متعجب می شود و این سوال پیش می آید که آیا واقعاً او خبر دارد که اکنون در سال ۲۰۰۷ میلادی زندگی می کند یا هنوز

غرق در رویاهایش احساس می کند که با علی شیر خدا که از او به عنوان الگوی خود یاد می کند، سوار بر شتر و شمشیر به دست در راه اسلام می جنگد!!!

جدا از آن همه افتضاحات سیاسی موجود در ایران، با آمدن این دکتر "حاذق"، افتضاحات چند برابر شد، وضعیت اقتصادی بکلی به هم ریخته تر از پیش خود را به نمایش گذاشت. به حقیقت اگر این حکومت اسلامی فاشیست با حمایت های دول غربی آن دوره موقعیت را نمی قاپیدند و انقلاب سوسیالیستی به وقوع می پیوست بدون شک نه تنها این افتضاحات به بار نمی آمد بلکه آن انقلاب سمبلی برای تمام جهان میشد. در این بحث قصد بر این است که ادعاهای رئیس جمهور "دلسوز"! تداعی شوند و وعده هایی که او واقعاً! به آنها عمل کرده است را یادآور شویم.

او که الگوش را از حکومت علی شیر خدا گرفته است و گفته بود که مانند آن دوره "عدالت"!!! را برقرار خواهد کرد و از اقداماتش برای مردم آوردن پول نفت سرفره آنها! و اشتغال زایی! خواهد بود، نه تنها امروز وضعیت اقتصادی را بیش از پیش به قهقرا سوق داده و می دهد بلکه قصد دارد بخاطر سیاستهای ضد انسانی حکومتش مردم را درگیر جنگ با آمریکا کند

و آمریکا هم که به دنبال رام کردن این رژیم (نه ازین بردنش) در جهت سیاستهای ضد انسانی خود و تقدیم سناریوی خود بعنوان ابرقدرت و آقای جهان، با آغاز تحریم اقتصادی برگی دیگر از صفحات تاریخ ضد بشری خود را رقم زد، در واقع تحریم اقتصادی مردم ایران که برای احمدی نژاد به قول خودش کاغذ پاره ای بیش نیست امروز تأثیر بارز را بر زندگی مردم می بینیم.

از همان آغاز وحتى پیشتر از آن، مردم با کمبود و تورم و گرانی روبرو بودند که هیچ بلکه تورم و گرانی تشدید یافته و قیمتها دو برابر و چند برابر شده است و رئیس جمهوری هم که از اقتصاد هیچ نمی داند به مردم گفته است: انشالله به امید خدا قیمتها کاهش می یابد.!!!

و اینگونه بجای معادلات اقتصادی توضیح به مردم، سیاستهای ضد بشری خود را لاپوشانی میکنند. از اینها که بگذریم چون جمهوری اسلامی ماهیتش همین است. میرسیم به اشتغال زایی از وعده های توخالی دیگرش... می بینم که با چه زحمتی و چقدر در جهت اشتغال مردم گامهای موثری براشته است!!! یکی از آن اشتغال زاییها که ایجاد کرده است، ایستادن مردم در صفهای طولی پمپ بنزین و دریافت کمتر از یک سوم مایحتاج آنها ست و روز به روز به ایجاد صفهای طولی و ایستادن مردم در آن صفها افزوده می شود. حالا دیگر ایستادن در صفهای طولی نانوائی و دودین هر روزه برای لقمه ای نان هم اضافه شده است. قبلاً که هر خانواده ای به تعداد نفراتش بنا به سهمیه نانی که در یکی از نانوائیها

داشت و سهمیه اش را دریافت می کرد، حالا دیگر این روش بخاطر اشتغال زایی مردم!! حذف شده و بجای آن هر خانواده فقط می تواند چند قرص نان محدود از هر نانوائی که خواست بگیرد و بیشتر خانواده ها این مقدار محدود قرص نان کفاف مصرف روزانه اش را نمی کند. بنابراین در هر خانواده ای باید حداقل دو سه نفر، از ساعت ۴ و ۵ صبح برای خرید نان، آن هم به قیمت افزایش یافته و در صفهای طولی نانوائی، حداقل تا نصف روز بایستند تا بالاخره نان مصرفی روزانه اش را با هزار درد سری دریافت کنند.

از ابتدای حکومت اسلامی، انسان بطور واقعی ارزش انسانی اش را بیشتر از دست داد و ارزش هر چیزی از خود انسان بیشتر شد و امروز باز هم تحت حاکمیت اسلام، بی ارزشی انسان بیشتر و بیشتر و بیشتر میشود.

حالا که از این اشتغال زاییها گفتیم حیف است این یکی را از قلم بیندازیم که از اشتغال زایی مهم او محسوب می شود آنهم اعدام و سرکوب و زندانی کردن و دودین مردم دنبال سند و وثیقه برای آزادی عزیزانشان و هزارها از این نمونه های "اشتغال" که به مردم وعده اش را داده بود.

حالا همه اش بگویند رئیس جمهور دلسوز نیست و به وعده هایش عمل نکرد!!! رئیس جمهور از این متعهدتر! مگر میشود!!!

دلارا دارابی در خطر اعدام برای نجات جان دلارا متحدانه اقدام کنیم!

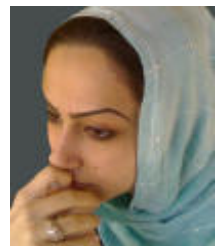
نقاشی های دلارا هم اکنون در اکثر سایت های بین المللی لینگ دارند. پدرش می گوید موضوع کار دلارا تا قبل از زندان عمدتاً طبیعت بود و کارهای وی رئالیستی بود اما آثارش در طول زندان به انسان به ویژه زنان، خودش و هم بندی هایش و دردهای آنان، اختصاص دارد. وی می گوید، دلارا روحی ظریف و هنرمندانه دارد و تاب تحمل اینهمه سختی زندان را صفحه ۵

است که دفتر شاهرودی و مشاورین وی به دلایل و نقایص پرونده دلارا توجه کنند. دلارا که نقاش و هنرمند است، در زندان هم نقاشی میکند و آثار او در تهران و در یک نمایشگاه در هلند به نمایش درآمده است که مورد بازدید تعداد زیادی قرار گرفت.

بسر میبرد. سرگذشت دلارا و فشارهای روحی و روانی بر او، وی را بارها بسوی خودکشی سوق داده است. بر طبق اظهارات پدر و وکیل دلارا دلایل زیادی وجود دارد که دلارا بیگناه است. اما تا به حال قضات مسؤل پرونده به این دلایل توجه نکرده اند. وکیل دلارا امیدوار

تایید اجرای حکم اعدام وی به دفتر شاهرودی فرستاده شده است. اگر شاهرودی دستور حکم اجرا بدهد، خطر اعدام دلارا جدی است.

دلارا که هفده سال بیشتر نداشت، به اتهام قتل دستگیر شد، اکنون نزدیک به ۲۱ ساله دارد و در زندان نسوان شماره ۲ در شهر رشت



دلارا دارابی

وکیل دلارا، آقای مصطفایی اظهار داشت که پرونده دلارا برای

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!